

آینه‌های بی غبار

زندگنامه و آثار شهدای دانشجوی
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

کامبیز فتحی لوشانی

فتحی لوشانی، کامبیز، ۱۳۳۲
 عنوان و نام پدیدآور: آینه‌های بی‌غبار: زندگی‌نامه و آثار شهدای دانشجویی
 دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) / کامبیز فتحی لوشانی؛ [به سفارش معاونت
 فرهنگی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی].
 مشخصات نشر: تهران: افق آینده، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۳۲۲ص. مصور.
 شابک: ۰-۳-۹۴۱۰۳-۶۰۰-۹۷۸-۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ — شهیدان — سرگذشتنامه
 موضوع: شهیدان — ایران — قزوین — سرگذشتنامه
 موضوع: شهیدان — ایران — سرگذشتنامه
 شناسه اثر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). معاونت فرهنگی و اجتماعی
 رده‌بندی کتب: ۱۳۹۲/۲۵۵۹/۱۶۲۵ DSR
 رده‌بندی یوئی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۵۲۰
 شماره شابک: ۳۳۳۸۱۵۵ ملی

آینه‌های بی‌غبار

مؤلف: کامبیز فتحی لوشانی
طراح جلد و صفحه‌آرایی: بهمنیار مرخ
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲
شمارگان: ۷۰۰ جلد
قیمت: ۱۰.۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۳-۹۴۱۰۳-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با فعالان	۱۳
پیام رئیس محترم دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	۱۵
مقدمه	۱۷
یادمان شهدای گمنام دانشگاه	۲۰

پیمانه اول: شهید مهران عیار اسدی

زندگی نامه شهید مهران عیار اسدی	۲۳
سیت نامه بنده حقیر مهران عیار اسدی	۲۸
مقتضیات ۱۳۵۴-۱۳۵۰	۳۶
فرزاد و آغاز اولی بارزها و پی ریزی بنیان های محکم اخلاقی و پاینده اجتماعی می باشد	۳۶
ایمان به خدا	۳۷
اثر نامطلوب شکست ها و گز احساس نکردم	۳۸
آزادی زن	۳۸
شاعر آشتی و یگانگی انسان خوانم	۴۱
ای کاش من هم در راه ملت و میهن شهید می شدم	۴۱
توس از حکومت یعنی حلقه های آزاد من	۴۲
اولین گروهی که وارد جنت پاکان می گردانند آن ها بی گناه خدا هستند	۴۳
خداوندا! زبانم را شیرین فرما تا بتوانم پیام را ادا کنم	۴۴
من با شعرهایم خدا را می پرستم	۴۵
عشق به خدا یعنی اندیشیدن و درک حقیقت	۴۶
مدال واقعیت در ماورای محدودیت های زندگی قرار گرفته	۴۶
هفت سکوی سعادت و سرافرازی	۴۸
۱. کوه ایمانی:	۴۸
۲. شیوه پیغمبری:	۴۹
۳. دخمه فریاد:	۵۱
۴. رستاخیز جهانی:	۵۱
۵. بهشت و دوزخ:	۵۲
۶. کوه وداع:	۵۳
۷. کوه آخرت و مقصد نهایی:	۵۳
وقتی که آدمی خدا را می یابد:	۵۳
درست این است که پیشوای دینی فقط یک نفر باشد	۵۴
کتاب کلید و رمز فرهنگ داری است	۵۴
دل نوشته ها ۱۳۵۴-۱۳۵۰	۵۷
دل نوشته های ادبی	۵۷

۵۹	معبود
۶۵	مهر پائیز
۶۹	دیوار سرشکسته
۷۰	فانوس‌های دود آلود
۷۳	زندگی برای چیست؟
۷۶	خانه مه‌ران
۷۸	آه لای سفید!
۸۰	تخت که بلند

آئینه دوم: شهید مسعود مافی

۹۵	زندگی‌نامه شهید مسعود مافی
۹۸	«شناسنامه که سوخته»
۱۰۰	وقتی ایثار رزمناز را بریم دچار خود کم‌بینی می‌شوم
۱۰۱	سرنوشت جنگ را داده ایم، آن تعیین می‌کند
۱۰۲	سعی کن درست را خوب و رانی را بزرگ شدی خوب یا آمریکا بجنگی
۱۰۳	همه شاد و خندان، همه خوشحال از که با ما می‌گویند
۱۰۳	این‌ها انسانند یا فرشتگان؟
۱۰۵	استقلال واقعی استقلالی است که امام می‌کند
۱۰۷	ما در این‌جا به فکر شیوه‌های مردمی برای روزی در جنگ هستیم
۱۰۹	تنها راه آزادی قدس از کربلای سرخ می‌گذرد
۱۱۰	دو برادر به فاصله دو روز شهید شدند
۱۱۰	این دفعه که آمدی مادرت را ببوس
۱۱۰	دیدار در بهشت زهرای تهران
۱۱۱	من و صیت‌نامه شهید مسعود مافی
۱۱۳	این جنگ برکات زیادی داشت

آئینه سوم: شهید سید ناصر سیاهپوش

۱۲۵	زندگی‌نامه شهید سیدناصر سیاهپوش
۱۲۸	لذت‌بخش‌ترین نماز شب
۱۲۹	از نظر شرعی پشت سر منافقین نمی‌شود نماز خواند
۱۲۹	رضایت نامه برای رفتن به جبهه
۱۳۰	عمر سیدناصر کوتاست به او زن نمی‌دهیم
۱۳۰	من بدون ناصر به قزوین بر نمی‌گردم
۱۳۱	سیدناصر با شهادت خوشبخت شد

۱۳۱	سید ناصر حاصل بزرگواری پدرش بود.....
۱۳۲	صدای کفزدن تا خانه عمه‌جان هم می‌آمد.....
۱۳۲	ما نمی‌توانیم ساعت رفت و آمد ناصر را مشخص کنیم.....
۱۳۳	میری‌تان جبهه راه کریلا را واکنید.....
۱۳۳	رفتی جبهه به ناصر هم بگو، عوض تو سمنو خوردم.....
۱۳۴	من جور آدم را گول می‌زد.....
۱۳۴	وصیت‌نامه شهید سید ناصر سیاهپوش.....
۱۴۱	مه و وصیت‌نامه.....
۱۴۳	امداد و مارت.....

آیینه چهارم: شهید سمر شاهرضایی

۱۵۳	زندگی‌نامه شهید علی شاهرضایی.....
۱۵۶	آخرین بار خیلی سال داشت.....
۱۵۶	دوشنبه‌ها به کارگران فرستاده می‌داد.....
۱۵۶	«وصیت‌نامه».....
۱۵۷	در آموزش قرآن و معارف دین و همچنین علوم در کوشا باشیم.....
۱۵۸	«دستمزد سوادآموزی».....
۱۵۸	«تاوان عاشقی».....
۱۵۹	کتاب‌های سیاسی علی سر از پادگان درآوردند.....
۱۵۹	حلاکت برای تهدید به ترور.....
۱۶۰	من هم سرباز هستم.....
۱۶۰	علی و ناصر در کام برق دانشگاه.....
۱۶۱	محبت برادری.....
۱۶۱	کاپشنی که نصب پیرزن فقیر شد.....
۱۶۲	شهادت لیاقت می‌خواهد.....

آیینه پنجم: شهید ابراهیم اصغری

۱۶۵	زندگی‌نامه شهید ابراهیم اصغری.....
۱۶۸	پسرم ورزشکار بود.....
۱۶۸	کمک به شهدای انقلاب اسلامی.....
۱۶۹	پسرم فشنگ درس می‌خواند.....
۱۶۹	تو دروازه‌بان قابل هستی.....
۱۷۰	من ابراهیم را خیلی دوست داشتم.....
۱۷۰	شعرهای ابراهیم در دانشسرای زنجان گل کرد.....

- ۱۷۱ صورتم دُمَل درآورده!
- ۱۷۱ هر لحظه منتظر خیر شهادت او بودم.
- ۱۷۱ پسر من لیخند می‌زد.
- ۱۷۲ ابراهیم دیگر رفتنی است.
- ۱۷۳ مصاحبه‌ی ابراهیم قبل از عملیات کربلای چهار.
- ۱۷۵ از دفترچه خاطرات شهید عباس محمدی صمیمی‌ترین دوست ابراهیم.
- ۱۷۵ او بود که عیب‌هایم را به مانند آینه به من نشان می‌داد.
- ۱۷۷ (نامه شهید ابراهیم اصغری به شهید عباس محمدی).
- ۱۸۰ (درد خورد با مردم اخلاق بسیجی را رعایت کن).
- ۱۸۲ نامه‌های شهید عباس محمدی به ابراهیم اصغری.
- ۱۸۳ نمازها و صلوات‌ها را با انسان را به یاد شب عاشورا می‌اندازد.
- ۱۸۵ برادر من، بدان که هر روز عذابم که چرا نمی‌توانم مانند شماها در جبهه حضور یابم.
- ۱۸۶ از نصیحت برادران و ابر نصیب مکن.
- ۱۸۷ وصیت‌نامه.
- ۱۹۲ عباس را به شدت دوست دارم.
- ۱۹۲ می‌خواهم خودم را بسازم.
- ۱۹۲ از دفترچه خاطرات و دست‌نوشته‌ها.
- ۱۹۳ هر که به این جا می‌گذارد پاک و بی‌آلوس شود.
- ۱۹۳ خدایا، دوست دارم عارفانه بمیرم.
- ۱۹۴ خدایا، مرا نیز به سوی خودت بخوان.
- ۱۹۵ هر وقت قرآن می‌خواندم به یاد عباس می‌افتم.
- ۱۹۶ از این که عباس مرا نصیحت کرد خوشحال شدم.
- ۱۹۶ می‌خواهم دنبال خوشبختی بروم.
- ۱۹۷ من این‌ها را برای چی می‌نویسم؟
- ۱۹۷ بعضی‌ها می‌گویند دیگر جبهه نرو!
- ۱۹۸ خدایا، مرا با همه مهربان کن.
- ۱۹۹ خدایا، برادر من عباس را به شهادت برسان.
- ۱۹۹ خدایا، مرا در سختی بمیران.
- ۱۹۹ شکایت من از درد هجران است.
- ۲۰۰ خدایا، دلم برای جبهه تنگ شده است.
- ۲۰۰ یا خودم قرار گذاشتم که غذای لذیذ و آب سرد نخورم.
- ۲۰۱ از او می‌خواهم مشتری جانم شود.
- ۲۰۱ خدایا، شوق رسیدن به جوارت را دارم.
- ۲۰۲ خداوند! چندی است که برای پیدا کردن سوی میعادگاه عاشقان آمدهام.

- وقت کم است باید عجله کنم! ۲۰۳
- رزمندگان، سنگر را تبدیل به عبادتگاه می کنند ۲۰۴
- انسان مؤمن هیچ وقت از تعریف و تمجید خوشحال نمی شود ۲۰۴
- شهادت، همه وجودم را پر کرده است ۲۰۵
- کریلا، راهیان خسته از راه خواهند رسید ۲۰۶
- ایا! ای جا باید خودم را بسازم ۲۰۷
- من در خوشبخت بودم که قرعه به نام من افتاد ۲۰۸
- بچه بهترین ایام زندگیم بود ۲۱۰
- من در صدد اسیر شهادت را می بینم ۲۱۰
- ساعاتی دیگر کرده ها گم شده خویش را خواهند یافت ۲۱۱
- خدایا! دوست دارم در چشم ظاهریین مردم دور کنی ۲۱۱
- خدایا، نفس مرا به راهی جستجو کنم؟ ۲۱۲
- خدایا، نوشتن بر روی غذا و دارم میله ای برای قرب تو یافته ام ۲۱۳
- عباس جان! وقتی خوش حالی، خوشحالم و وقتی غمگینی من هم غمگینم ۲۱۴
- مقالات - داستان ۲۱۶
- نمایش نامه ۲۱۶
- زندگی چیست؟ ۲۱۶
- چرا باید به جنگ ادامه دهیم؟ ۲۱۹
- ۲۲ بهمن ۲۲۰
- دفتر فلسطین ۲۲۲
- داستان آقای «روز» ۲۲۴
- طنز متهم به ایجاد وحشت ۲۲۶
- داستان اولدوز پسر قهرمان ۲۲۹
- نمایش نامه های کوتاه که در دانش سرا اجرا می شد ۲۳۸
- کاریکلماتور ۲۳۹
- اشعار ۲۴۹
- عشق ۲۵۰
- عاشقانه ۲۵۱
- با قصه خفتن ۲۵۶
- که راه...؟ ۲۶۰
- نفس ۲۶۴
- غصه برد قصه ی ما ۲۷۴
- دلتنگی ۲۷۵
- «دو بیتی» ۲۷۶

شهادت ۲۷۸

آئینه ششم: شهید حامد مسیحا

زندگی نامه شهید حامد مسیحا	۲۸۱
قصه شهادت به روایت پدر شهید حامد مسیحا	۲۸۴
در نمازخانه آرامش بیشتری دارم	۲۸۹
آخر عمر باهوش رفیقم	۲۹۳
طرات خواهر شهید حامد مسیحا	۲۹۳
نام خانواده شهید حامد مسیحا به رهبر انقلاب	۲۹۴
نامه خانواده شهید حامد به قوه قضائیه	۲۹۵
اسناد و برگه ضد	۲۹۸

آئینه هفتم: شهید امدادی طاهرخانی

زندگی نامه شهید امدادی طاهرخانی	۳۰۵
نماز اول وقت	۳۰۸
کلاس فیزیک و شیمی	۳۰۹
خانه امن است	۳۰۹
تو هم برای من مرد هستی!	۳۱۰
از همسرم قدردانی کنید	۳۱۰
امدادهای غیبی	۳۱۱
ناامیدی ساواک	۳۱۱
قدردانی از یک دوست	۳۱۲
او نباید فعالیت مغزی می کرد	۳۱۲
شهید طاهرخانی یک نعمت بود	۳۱۳
خود را بدهکار انقلاب می دانست	۳۱۴
باران رحمت	۳۱۴
می خواست علی وار زندگی کند	۳۱۵
درخشش برق شوق در چشمانش تماشایی بود	۳۱۶
در راه انقلاب خیلی صدمه دید	۳۱۷
هرگز خودش را از صحنه انقلاب کنار نکشید	۳۱۸
«هنوز جای خالی او در مجامع شهر احساس می شود»	۳۱۸
قسمتی از وصیت نامه شهید طاهرخانی	۳۱۹
منابع:	۳۲۱
آثار چاپ شده از همین مؤلف:	۳۲۲

مقدمه

برای درک و فهم درست رفعت‌های جنگ ایران و عراق باید ابتدا به شناخت انقلاب اسلامی ایران پرداختیم. هر انقلابی ریشه و انگیزه‌های دارد، به عنوان مثال دو انقلاب مهم دنیا که در آنست و در سده به وقوع پیوستند و منشأ تحولات عظیم لیبرالیستی و سوسیالیستی شدند، ریشه اقتصادی داشتند و تعدادی محدود از اقشار جامعه در آن شرکت داشتند.

قبل از انقلاب، ایران در مطلوبترین سطح از نظر قدرت نظامی و از طرف دیگر مورد حمایت بیشتر کشورهای قدرتمند دنیا بود. تنها تضاد میان مردم و حکومت، تفاوت ایدئولوژیکی بود. به همین خاطر می‌توان گفت: ریشه انقلاب ایران، ریشه فکری و ایدئولوژیکی داشت و بنیانگذاران انقلاب، فکران، نویسندگان، شاعران، اندیشمندان، عالمان دینی و استادان، دانشجویان، دانشمندان بوده‌اند. آمار و اسناد زندانیان سیاسی در رژیم گذشته، خود گواه بر این موضوع هستند.

در بیشتر انقلاب‌های دنیا، انقلابیون مورد حمایت یک کشور قدرتمند خارجی بودند و بعد از پیروزی هم مدت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط آنها اداره می‌شدند. ولی در انقلاب ایران نه تنها هیچ حمایتی وجود نداشت بلکه مقابله همه جانبه‌ای هم وجود داشت. در هر صورت، ملت ایران تنها با اتکا به

نیروی الهی، بر رژیم قدرتمند پهلوی غلبه کرده و پیروز شدند. بر این اساس ابرقدرتها تلاش کردند تا انقلاب اسلامی و نظام نوپای برآمده از آن را نابود کنند و در غیر این صورت به تضعیف آن مبادرت ورزیدند.

از اینسرو از جهالت و بلندپروازی های صدام حسین، رئیس جمهور عراق که ادعای رهبری جهان عرب را در سر می پروراند، سوءاستفاده کردند و در ظاهر بهانه مناقشات مرزی و پاره کردن قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام حسین، و آن در واقع برای نابودی نظام جمهوری اسلامی آتش جنگ را برافروختند و جهانان غریب را به این اسلامی، چارهای جز دفاع در برابر متجاوزان نداشتند و به همین دلیل آنرا «دفاع مقدس» مینامند.

این جنگ ۸ ماه تداوم داشت و شیرینی هایش ۸ سال به طول انجامید. و جوانان ایران، تنها با شجاعت، ایثار، مقاومت، نیروی ایمان و عشق به اسلام و انقلاب و امام خمینی (ره) توانستند، محاربان را از خاک ایران بیرون برانند و با اجرای عملیاتهای گسترده و تهدید دشمن به شکست، صدام و حامیانش را وادار به قبول خواسته های خود نمایند و سازه های ملل را که به هیچ کدام از وظایف خود در طول جنگ عمل نکرده وادار کنند تا قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب برسانند که منجر به پایان جنگ گردید. در این جنگ نابرابر بی پایان بار حتی یک وجب از خاک ایران به دست دشمنان نیفتاد و دشمن به هیچ کدام از اهداف از پیش تعیین شده ی خود نرسید. به همین خاطر ما مدعی «پیروز مطلق» - نگ ایران و عراق هستیم.

هر جنگی پیامدهای فراوانی از شکست و پیروزی به همراه دارد. و از همان لحظه ای که اسلحه ها خاموش می گردند تازه قلم ها به حرکت درمی آیند. رسالت قلم ها بعد از جنگ، کمتر از رسالت اسلحه ها در جبهه های مقدم جنگ نیست. چه بسا قلم های آلوده های تمام زحمات و دست آوردهای یک جنگ با عظمت را از بین ببرند. جنگ علاوه بر خشونت های میدان جنگ، مجموعه عظیمی از تجربیات، معارف، ادبیات، هنر و فرهنگ را دربردارد که گنج های گران بهایی

محسوب می‌شوند و در تمام دنیا برای حفظ آنها تلاش‌های فراوانی انجام می‌گیرد. امروز، حفظ یادمان‌ها و موزه‌های جنگ از ابزارهای مهم گردشگری جهان هستند که علاوه بر حفظ ارزش‌های دفاعی کشورها، یکی از ابزارهای سرمایه‌های در صنعت توریست هستند.

علاوه بر اینها بیان واقعیت‌های تاریخی به صورت صادقانه، حق نسل‌های بعدی دنیا است. تاریخ، آئینه‌ی انسانها، برای پی بردن به واقعیت‌های اجتماعی است و محراب راهی که خود می‌پسندند. آئینه‌ی تاریخ هرچه بی‌غبارتر باشد، هم مردم آن نیز بهتر و راحت‌تر خواهد بود. ما امروز با همین هدف، خلاصه‌ای از «یادمان‌های هفت شهید دانشجوی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)» را تحت عنوان «آئینه‌های بی‌غبار» ارائه می‌نماییم تا آئینه‌ای باشد برای دیدن حقیقت انسانی در طول تاریخ.

در خاتمه از همه عزیزانی که در فراهم آمدن این اثر سهیم بودند تشکر فراوان داریم، از جمله: خانواده‌های محترم شهدا، جناب آقای دکتر عبدالعلی آل‌بویه ریاست محترم دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، جناب آقای دکتر فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی دانشگاه، برادر بزرگوارم، مدیر گروسی مدیر امور فرهنگی دانشگاه و دوست خوبم آقای سینا پاشایی، مشاور تیرین این اثر.

کامیار فتح، لوشانی

زمنستان، ۱۳۹۰